

نگاهی تبارشناسانه به مفهوم طبیعت و تجلی حضور آن در معماری خانه‌های ایران

قادر بایزیدی* - استادیار گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران
کیانوش فرجی - استادیار گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۳۰

چکیده

مقدمه: فضاهای زیستی و در متن آن، «خانه‌ها»، از نیازها و آفریده‌های ماندگار انسانها در هر جامعه انسانی بوده و با وجود سالهای متمادی ساخت و زندگی در آنها، همچنان طراوت، لطافت، تعلق خاطر و رمزگونی در تمام ابعاد آنها مشهود است. این فضاها به عنوان اصیل‌ترین و زیباترین دستاورد ملموس معماری، علاوه بر حفظ آسایش و آرامش استفاده‌کنندگان، مبین هویت آنان بوده و از طریق مولفه‌های متعددی خاطرات، رویاها و امیدهای ساکنان را به بهترین شیوه پاس داشته‌اند. یکی از این مولفه‌ها طبیعت است که معانی متنوعی را از طریق لایه‌های معماری متناسب با شرایط زمان به مخاطب منتقل می‌کند.

هدف پژوهش: هدف اصلی در این پژوهش شناسایی مولفه‌های تاثیرگذار در آفرینش مفاهیم طبیعت و نحوه حضور آنها در معماری خانه‌های ایران است.

روش شناسی تحقیق: روش شناسی پژوهش، تبارشناسی فوکویی و برای تحلیل داده‌ها، از روش نشانه‌شناسی پیرس استفاده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: در این پژوهش خانه‌ها و سکونتگاه‌های شاخص در معماری دوره‌های مختلف تاریخ ایران - از عهد باستان تا دوره پهلوی دوم - مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها و بحث: مطالعات تحقیق نشان می‌دهند که معانی حاصل از طبیعت فقط مختص سیمای اولیه، ثانویه و انتزاعی طبیعت در فرم و ساختار پیرامونی خانه‌ها نیستند؛ بلکه این مفاهیم در چارچوب گفتمانهای خاص و متناسب با شرایط جامعه در هر دوره تاریخی با قدرت پیوند خورده، هویت و ذهنیت ساخته‌اند.

نتایج: حضور کالبدی، عملکردی و محتوایی طبیعت علاوه بر بیان معانی صریح و ضمنی، تحت تاثیر تحولات حاکم بر هر دوره تاریخی منجر به تولید دانش و معانی جدید در حوزه مختلف گردیده است.

واژه‌های کلیدی: تبارشناسی فوکویی، طبیعت، خانه، معماری ایران

نحوه استناد به مقاله:

بایزیدی، قادر و فرجی، کیانوش. (۱۴۰۰). نگاهی تبارشناسانه به مفهوم طبیعت و تجلی حضور آن در معماری خانه‌های ایران. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۶(۳)، ۴۳۹-۴۵۳.

[DOR: 20.1001.1.25385968.1400.16.3.16.3](https://doi.org/10.25385/968.1400.16.3.16.3)

مقدمه

خانه به عنوان یکی از اصیل‌ترین موضوع‌های معماری بشر، همواره مورد توجه و اهتمام انسانها بوده است. خانه که از ابتدای حضور انسان بر کره خاکی همراه وی بوده، دارای هویتی آشنا است؛ به گونه‌ای که بنای خانه فارغ از فرهنگ، زمان و مکان قابل تشخیص و درک است (کریمی، ۱۳۹۳: ۳۹). تأمین مسکن یکی از مهمترین مسائل در معیشت بشر به شمار می‌رود که در این باره تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان، مهمترین عملکرد آن محسوب می‌شود. معیارهای مسکن مطلوب تنها به این محدود نمی‌شود که سرپناه و حافظ انسان در برابر شرایط نامساعد جوی و گزند حیوانات و احتمالاً آسیب‌های هموعانش باشد و یا قیمت مناسبی داشته و تأمین آن برای هرکس مقدور باشد (نقی زاده، ۱۳۹۱: ۴۰)؛ بلکه آنچه که خانه را "خانه" می‌نماید، کیفیات و اصولی هستی-شناسانه، پایدار و ماندگار در خانه است (کریمی، ۱۳۹۳: ۴۰). این اصول قرن‌ها ثابت بوده و سینه به سینه منتقل شده و مبنای شکل-گیری آثار مختلفی بوده است. این اصول در معماری ایرانی، ریشه در فرهنگ و شیوه زندگی مردم داشته و در هر دوره با جهان‌بینی و ایدئولوژی‌های حاکم بر جامعه آمیخته شده و آثار معماری بی‌نظیری را به وجود آورده است.

خانه‌ها، به عنوان بخشی از محیط انسان ساخت، مکان‌ها و سکونتگاه‌هایی هستند که در همه فرهنگ‌ها مفهوم کم و بیش مشابهی دارند؛ اما با کمی تامل و با توجه به تنوع و گوناگونی ادراک شخصی از شیوه زندگی، نیازها، خواسته‌ها، ارزشها و چگونگی تعامل انسان با محیط طبیعی، به نظر می‌رسد که ارزیابی مردم از خانه‌ها متفاوت است. هایدیگر، خانه را تنها مکانی برای آرمیدن نمی‌داند، بلکه معتقد است که خانه نشانه‌ای است که معنایی در خود نهفته دارد؛ کالبدی است که در پس چهره‌اش سخنانی عمیق پنهان است و غم‌ها و شادیهایی برای بیرون تراویدن دارد. انسانها با ساختن خانه به مثابه یک اثر، به گردآوری جهان و آشکارکردن آن دست می‌زنند (هایدیگر، ۱۹۹۶). از دیدگاه شولتز، هستی آدمی از طریق یگانگی جدایی‌ناپذیر زندگی و مکان برای او مهیا شده است تا به واسطه این سکنی‌گزیدن آرام گیرد و از سرگردانی رهایی یابد (شولتز، ۱۹۸۴)؛ به تعبیر او جریان درونی معماری، فرایند جستجوی آدمی برای یافتن پایگاه وجودی و آشکارکردن معناهاست. به باور شولتز انسان با سکنی‌گزیدن در خانه هویت خویش را فراهم آورده است و موقعیتش را در جهان تعیین می‌کند. بر این اساس و با تمسک به آرای یونگ، می‌توان خانه را به مثابه نمادی از خویشتن آدمی در نظر گرفت، چرا که انسان با انتخاب، فرا آوردن و بنا نهادن خانه خود که حافظ و حامی اساسی فضای درونی اوست به نمادپردازی امپال، نیات و اسراری درونی دست می‌زند که بازنمایی آنها به آسانی ممکن نیست (کوپر مارکوس، ۱۳۸۲: ۸۸). امروزه در بسیاری از محیط‌های انسان ساخت، با وجود کمرنگ‌شدن فرهنگ زاینده آنها، مولفه‌های سازنده محیط در تلاش هستند تا حضور خود را با کیفیتی مطلوب و متناسب با نیازهای زمان متجلی سازند، اگرچه ممکن است معنای وابسته به آنها تا حد زیادی تغییر کرده باشد. یکی از این مولفه‌ها طبیعت است که از گذشته تا به امروز، به عنوان بخش قابل توجهی از محیط پیرامون انسان، به انحای مختلف در ساختار زندگی انسانها حضور فعالی داشته است. انسان برای تأمین نیازهای خود در سه بعد جسمانی، روانی و روحانی، طبیعت را بر اساس سه مفهوم کالبد، ذات و فطرت که متناظر با ابعاد وجودی او هستند در لایه‌های سه‌گانه معماری (صورت، عملکرد و محتوا) به صورت مستقیم و غیرمستقیم متجلی و موجب هویت‌بخشی به مفهوم طبیعت و نحوه حضور آن در معماری گردید؛ لذا در این پژوهش مطالعات در دو حوزه قابل بررسی است: ۱- طبیعت و ۲- خانه و مسکن؛ در حوزه طبیعت و نحوه حضور آن در معماری تاکنون مطالعات متعددی انجام شده است. " کوپرن و همکاران (۲۰۱۹) به مطالعه طبیعت و تقلید و بهره‌گیری از الگوهای طبیعی پرداختند؛ فرجی و همکاران (۱۳۹۸) بر اساس رهیافت گفتمانی نقش طبیعت در تزیینات وابسته به معماری را مورد بررسی قرار دادند؛ القوباشی و موسد (۲۰۱۸) و فرهی فریمانی و حقیقت‌بین (۱۳۹۵) به بررسی ارتباط انسان و طبیعت و تاثیر آن در زندگی و محیط فردی و اجتماعی اشاره نمودند؛ داعی پور (۱۳۹۳) نقش طبیعت را در افزایش ادراک و حس تعلق به مکان مورد بررسی قرار داده است؛ بمانیان و صالح (۱۳۹۰) ارتباط انسان با طبیعت را از منظر معادشناسی در قرآن کریم مورد مطالعه قرار دادند و نورمحمدی (۱۳۸۸) با نشان دادن دگرگونی‌های مفهوم طبیعت در دوره‌های مختلف تاریخی، ارتباط سرشت فضای معماری، فضای انسانی و طبیعت را بررسی نموده است." در حوزه خانه نیز مطالعاتی با رویکردهای مختلف انجام شده است؛ " کوچکیان و همکاران (۱۳۹۵) به موضوع بازتعریف مفهوم مسکن و سکونت بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی پرداخته‌اند. کشفی و همکاران (۱۳۹۳) اشاره نمودند که مسکن زمینه لازم را برای رشد افراد فراهم می‌آورد تا بتوانند برحسب نیازهای روحی و روانی و علایق خود، فضای مناسب و حریم لازم را برای انجام دادن فعالیتها و کسب آسایش روانی و جسمانی

بیابند. هاشم‌پور (۱۳۹۱) بیان نمود که شکوفا شدن و به ثمر رسیدن آنچه که در نهاد انسانهاست و رسیدن به خودآگاهی و بازشناسی درون، با سکونت ممکن می‌گردد. سکونت، شکل گرفته از زندگی انسان و در جهت هدف خلقت انسان است. خانه به عنوان "فضای معنوی"، "پناه امن"، "نهاد اجتماعی"، "نشان فرهنگی" و "کالبد فیزیکی" فضایی است که تجلی عناصر پایدار در آن موجب ارتقای کیفیت سکونت می‌شود. وجوه کیفی خانه را می‌توان به بخشهای وجوه معنوی، وجوه اجتماعی، وجوه فرهنگی، وجوه روانی، وجوه کالبدی تقسیم کرد.

با توجه به میان رشته‌ای بودن معماری و اهمیت حضور طبیعت در زندگی انسانها می‌توان با رویکردهای متفاوتی به تفسیر طبیعت در معماری پرداخت. تبارشناسی فوکویی روش تاریخی نوینی است که تاکنون در حوزه معماری جایگاهی نداشته است؛ اما در حوزه علوم سیاسی و اجتماعی مطالعات جامعی انجام شده است. در این پژوهش تلاش بر آن است تا طبیعت و مفاهیم برگرفته از آن در معماری خانه‌های ایران بر اساس رویکرد تبارشناسانه فوکویی بررسی و تحلیل شوند. برای این منظور مطالعه تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر دوره‌های مختلف تاریخ ایران و تاثیر آن بر نحوه رویارویی انسان با طبیعت در معماری خانه‌ها، محققین را در رسیدن به اهداف یاری می‌نمایند. این اهداف عبارتند از: ۱. شناسایی چگونگی حضور طبیعت در معماری خانه‌های دوره‌های مختلف تاریخ معماری ایران. ۲. شناسایی گفتمان‌های حاکم بر جامعه و تاثیر آنها در هویت‌بخشی به مفهوم طبیعت در معماری خانه‌ها؛ لذا پژوهش حاضر در پی پاسخ به دو سوال اصلی است: ۱. تجلی طبیعت در معماری خانه‌های ایران وابسته به حضور چه مفاهیمی است؟ ۲. این مفاهیم چگونه و تحت تاثیر چه مولفه‌هایی نمود یافتند؟

تبارشناسی: لغت تبارشناسی از دو واژه یونانی Genea به معنی "نسل و تبار" و Logos به معنای "دانش و معرفت" تشکیل شده است. این کلمه در کلیت خود به معنای "دانش شناخت تبار یک پدیده" می‌باشد. در علوم مانند مردم‌شناسی، قوم‌نگاری و فرهنگ‌شناسی تحقیق تبارشناسانه شامل فرایند اکتشاف منابع و مدارکی به منظور یافتن اطلاعاتی در مورد تاریخچه به هم پیوستگی و توسعه تبارها و نسل‌ها از طریق مطالعه اتصالات میانشان که معمولاً توسط ازدواج و هم‌جوشی بین گروه‌ها و اقوام مختلف شکل می‌گیرند، می‌باشد. در علم زیست‌شناسی نیز اخیراً آزمون‌های تبارشناسانه DNA مطرح شده‌اند که از مجموعه‌ای از تست‌های بیولوژیکی تشکیل می‌شوند که تبار هر انسانی را در طول تکامل نسل‌ها با دقت بسیار بالایی نشان می‌دهند. حیطة و قلمرو علم تبارشناسی تنها به این موضوعات محدود نمی‌شود بلکه تبارشناسی را می‌توان به عنوان رویکردی معرفت‌شناختی مورد مطالعه قرار داد (بامداد صوفی، ۱۳۹۷: ۷۶).

تبارشناسی به مثابه رویکردی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی: واژه تبارشناسی برای اولین بار توسط فلیسوف آلمانی فردریش نیچه در مقاله‌ای تحت عنوان "تبارشناسی اخلاقیات" در سال ۱۸۸۷ به زبان آلمانی انتشار یافت. نیچه در این مقاله برای اولین بار ارزشهای اخلاقی و باورهای انسانی را با روش تبارشناسی مورد نقد قرار داد. وی با زیر سوال بردن مفهوم متداول اخلاقیات سعی در پی بردن به ریشه باورها و قضاوت‌های انسانی در مورد معانی متفاوت مفاهیم مرتبط با اخلاقیات طی نسل‌ها در تاریخ نمود. او مطرح می‌کند که باورهای انسانی توسط اقتضات تاریخی، فرهنگی، زبانی، مذهبی و... به شدت تحت تاثیر قرار گرفته و ساخته شده‌اند (Di Giorgio, 2013). به دنبال مطالعات نیچه، میشل فوکو فیلسوف پست‌مدرن فرانسوی نظریات جدیدی را در حوزه‌های علوم سیاسی، روانشناسی اجتماعی و تاریخ با همان رویکرد تبارشناسانه مطرح نموده است. او تبارشناسی را به عنوان مجموعه‌ای از تکنیک‌های تاریخی در قلمرو فلسفه به کار بست و سعی در زیر سوال بردن باورهای فلسفی متداول نمود. وی این کار را از طریق مطالعه گفتمان‌هایی که طی سالیان متمادی در طول تاریخ در قلمرو تحلیل مفاهیم فلسفی مطرح شده‌اند، انجام داد (Drolet, 2017). نخستین اثر تبارشناسانه وی در این حوزه کتاب مراقبت و تنبیه (۱۹۷۵) است. هدف او در این کتاب ارائه تاریخ به هم پیوسته روح مدرن و قدرت نوین قضاوت کردن است؛ یعنی تبارشناسی مجموعه پیچیده کنونی علمی - قضایی که قدرت تنبیه تکیه‌گاه‌هایش را از آن دریافت می‌کند، اثرهایش را در آن بسط می‌دهد و غرابت مفرطش را در آن پنهان می‌کند. مسئله‌ای که فوکو در این کتاب به آن توجه می‌کند و می‌توان گفت همراه با بحث زندان درون‌نمایی اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد، تکنولوژی نظارت و سازمان قدرت است؛ او در این کتاب با استفاده از تبارشناسی، رژیم‌های مدرن انضباطی را تجزیه و تحلیل می‌کند. در کتاب مراقبت و تنبیه علاوه بر تکنولوژی نظارت، مفهوم قدرت و توصیف ویژگی‌های قدرت مدرن و وجوه متمایز آن با قدرت سنتی جهان قدیم نیز مورد توجه قرار گرفته است. از نظر فوکو مفهوم قدرت عبارت است از بسیاری از ارتباط‌های ویژه و محلی که

به اتفاق، کالبد اجتماعی را تشکیل می‌دهد (کالینیکوس، ۲۰۰۷). دومین و در حقیقت آخرین اثر تبارشناسانه فوکو کتاب تاریخ جنسیت است که به علت فوت نابهنگام نویسنده ناتمام باقی ماند. در این کتاب در مقایسه با کتاب مراقبت و تنبیه مباحث بسیار کمتری به طور مستقیم راجع به تبارشناسی وجود دارد و تنها پنج بار از مفهوم تبارشناسی استفاده شده است. اما می‌توان گفت که این کار کاملاً معرف روش تبارشناسی فوکو است که در آن فوکو برخلاف روش دیرینه‌شناسی، که مستلزم جمع‌آوری اسناد و متون بسیاری بود، از روشی انتقادی استفاده کرده است که در هر متن و شرایطی می‌توان به کار گرفت (Scheurich & Makenzie, 2000). فوکو در تعریف تاریخ جنسیت به هیچ روی در پی آن نبود تا اخلاق و یا کردار و امیال جنسی و غریزی آدمیان را تحلیل کند، بلکه هدف اصلی او اثبات این امر بود که در تاریخ غرب، جنسیت به عنوان ابزار و روشی مناسب جهت بسط سلطه و به انقیاد در آوردن کالبد فرد و به طور کلی ذهنیت افراد جامعه به کار رفته است.

میشل فوکو در روش تاریخی خود با طرح انقطاع در تاریخ از پدیده‌هایی که به واسطه استمرار تاریخی‌شان مشروعیت داشتند، مشروعیت‌زدایی کرده است و به این نکته اشاره نموده که ارزش‌ها سرشت ذاتی ندارند، بلکه با نیروها و مصالح تاریخی خلق شده‌اند و طی زمان تغییر می‌کنند (اسپینکز، ۲۰۰۳). او در روش تبارشناسی به اقتضای رویکرد علمی خویش، نموده‌های واقعیت را به میانجی مناسبت‌هایی که با دیگر نمونها دارند بررسی و سیر آنها را از حال به گذشته دنبال می‌کند؛ یعنی به دنبال تاریخ واژگون است؛ نه آنکه پژوهش خویش را از گذشته آغاز کند و سپس به زمان حال سیر نماید؛ او راه خویش را از حال به گذشته پیوند می‌دهد؛ از این روست که از روش تبارشناسی سود می‌جوید. در این دیدگاه هیچگونه قاعده و قانون بنیادی و غیر قابل تغییر وجود ندارد و چون فلسفه به پایان خود رسیده است هرگونه قاعده، تعبیری محسوب می‌شود که قدرت‌مداران در سایه نظام گفتمانی خویش به آن ارزش و کارمایه عملی بخشیده‌اند. از دیدگاه فوکو مولفه‌های تأثیرگذار در تبارشناسی عبارتند از: گفتمان، اپیستمه، قدرت و حقیقت که در جدول ۱ نشان داده شده است.

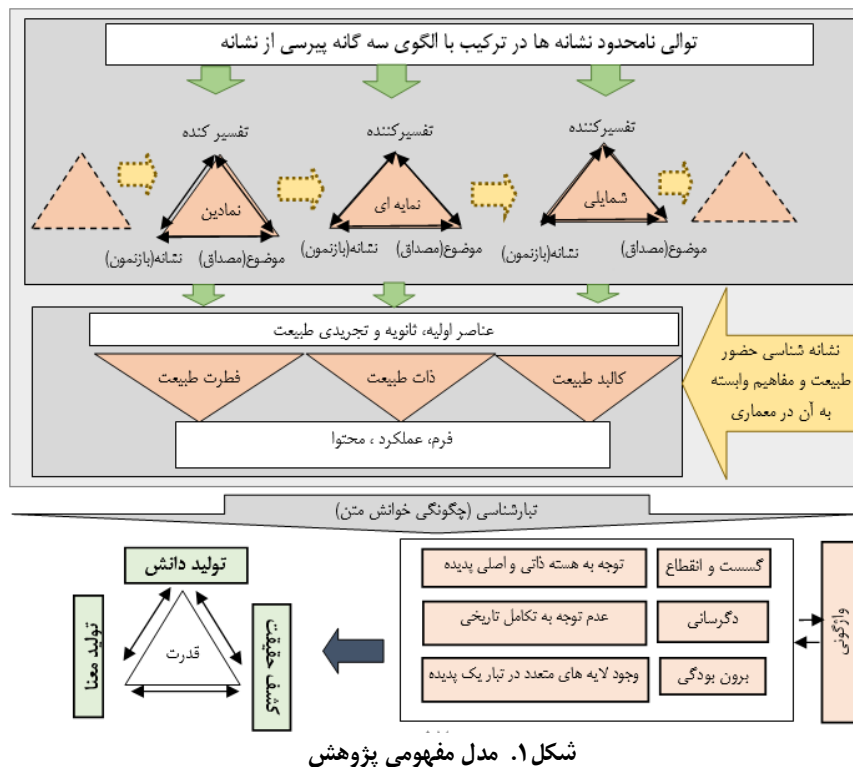
جدول ۱. مولفه‌های تأثیرگذار در تبارشناسی فوکو و رابطه بین آنها

رابطه بین مفاهیم رایج در تبارشناسی فوکویی	مولفه‌های تأثیرگذار در تبارشناسی فوکو
	مجموعه گزاره‌هایی است که به زبان امکان می‌دهند درباره موضوعی خاص در لحظه تاریخی خاص سخن بگویند یا دانش مربوط به آن موضوع را به گونه‌ای بازنمایی کنند (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۷). گفتمانها مجسم-کننده معنا و ارتباطات اجتماعی، شکل‌دهنده ذهنیت و ارتباطات اجتماعی-سیاسی قدرت و آشکارکننده بازی قدرت در جایگاه‌های مشخصی هستند. از نظر فوکو، گفتمان هر دوره باعث می‌شود که در آن دوره، علمی خاص غالب و انسان چنان یک ابژه خاص مورد شناسایی قرار گیرد.
	آرایش گفتمانی و روابط میان گفتمانهای موجود در یک جامعه که در یک عصر خاص، وحدت بخش کنشهای گفتمانی شده است (ضمیران، ۱۳۹۵ و قبری، ۱۳۹۶).
	هر جامعه‌ای نظام حقیقت و سیاست کلی خود درباره حقیقت را دارد؛ یعنی گونه‌هایی از گفتمان، که جامعه می‌پذیرد و به منزله حقیقت به کار می‌اندازد (کهون، ۱۹۹۶: ۳۹۳). از دیدگاه فوکو حقیقت بیرون از قدرت و یا فاقد قدرت نیست و حقیقت چیزی این جهانی است و در این جهان به یمن شکل‌های گوناگون اجبار تولید می‌شود و تاثیرهای قاعده‌مند قدرت را حفظ می‌کند. فوکو معتقد است که حقیقت ساخته قدرت است و قدرت و گفتمان، فراگیر و جهانشمول نیستند، بلکه حالت منطقه‌ای و محلی دارند (حسین زاده یزدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۷).
	قدرت و حقیقت

روش پژوهش

روش تبارشناسی فوکویی رویکردی تاریخی دارد، اما با معنایی متفاوت با آنچه تاریخ‌نگاران سنتی از تاریخ مد نظر دارند. این روش در تلاش است تا معرفت‌های رایج درباره امور و اشیا را درهم بشکند (اکرمی و اژدریان شاد، ۱۳۹۱: ۱۱۲) و با تحلیل و مشخص نمودن عواملی که باعث بوجود آمدن مفاهیم ارزشمند در زمان حاضر شده‌اند، به نقد آنها بپردازد. اصول چهارگانه روش‌شناختی فوکو عبارتند از:

۱. واژگونی: واژگونی یکی از مهمترین اصول روش‌شناختی در کار فوکو به شمار می‌رود؛ به اعتباری، اصل واژگونی نه تنها بر سه اصل دیگر حاکمیت دارد بلکه پیش‌فرض آنها محسوب می‌شود. به تعریف فوکو، واژگونی عبارت است از آنچه انسان ممکن است در فرض مفهوم مخالف در ذهن خود احیا کند؛ بدین معنا که وقتی سنت یا مکتبی تفسیر خاصی از رویدادی تاریخی عرضه می‌کند، می‌توان با طرح تفسیر و تعبیر مقابل آن زمینه اندیشه تازه‌ای را در آن خصوص مهیا کرد (ضمیران، ۱۳۹۵: ۳۸).
۲. گسست و انقطاع: فوکو بر اساس اصل واژگونی، عدم تداوم و گسست را از اصول موضوعه تحقیق خود قرار داد. وی تداوم و پیوستگی میان رویدادها را طرد و کوشیده است تا گسست‌ها و ناپیوستگی‌هایی را که در روندهای تاریخی - اجتماعی مورد غفلت قرار گرفته‌اند را کشف کند (ضمیران، ۱۳۹۵: ۴۶). او بر این باور تأکید داشت که هر دورانی انگاره و سامان دانایی خاص خود را دارد و از عقلانیت خاصی پیروی می‌کند، بنابراین هر انگاره دانایی در عصر خاص را باید بر حسب معیارهای منطقی خاص همان عصر تبیین کرد.
۳. دگرسانی: این اصل ویژگی‌ها و خصوصیات گفتمانها یا شکل‌بندیهای خاص تاریخی را نشان می‌دهد. از دیدگاه فوکو دوره‌های پیش از عصر مدرن به لحاظ ماهیت و کارکردهای گفتمانی، تفاوت‌های فاحشی با عصر جدید دارند. او از هر گونه تفسیر مبتنی بر اصالت ماهیت ثابت رویگردان و مدعی است که هر عصری ویژگی‌های خود را دارد؛ به همین جهت برای بیان دوره‌های تاریخی از نظر گفتمان و دانایی از واژه اپیستمه یا انگاره و سامان دانایی سود می‌جوید.
۴. برون‌بودگی: فوکو با بیان این اصل تلاش می‌کند تا سویه درونی پدیده‌ها را رها و بر خلاف نگاه‌های گذشته (توجه به درون پدیده‌ها از طریق فهم معنا و ماهیت نهان امور و عدم توجه به معانی سطحی و پیدا همچون نگاه افلاطونی)، عمیق‌ترین مسایل و امور را حقیقتاً سطحی یابد (ضمیران، ۱۳۹۵: ۵۲). او بر این باور است که هر رویکرد و نگاهی از پیش‌داوری‌ها، گفتمان‌ها و عادات و آدابی تأثیر می‌پذیرد که او آنها را عملکرد می‌نامد. در واقع با بکارگیری روش برون‌بودگی در صدد است به خود پدیده بازگردد و از افتادن در ورطه بنیاد جوهری یا حقیقت مکتوم امور بپرهیزد.



روش‌شناسی پژوهش حاضر بر اساس مطالعات انجام شده در روش تبارشناسی فوکویی، کیفی و از روش نشانه‌شناسی پیرس برای تحلیل داده‌های تحقیق استفاده شده است. از دیدگاه پیرس نشانه چیزی است که نزد یک فرد خاص بر چیز دیگر دلالت می‌کند.

دلالت نشانه بر موضوع نه در تمام ویژگی‌های آن، بلکه در ارجاع به یک ایده خاص است که گاهی آن را زمینه نمود می‌خوانند (چندلر، ۲۰۰۷: ۶۱). پیرس معتقد است که سه نوع نشانه وجود دارد؛ نخست مشابهات یا شمایل‌ها؛ که تصوراتی از چیزهایی را که می‌نمایانند صرفاً از طریق تقلید تصویری آنها به دست می‌دهند. دوم شاخص‌ها یا نمایه‌ها که از طریق ارتباط فیزیکی با چیزها به آنها دلالت می‌کنند و سوم نمادها یا نشانه‌های عام که از طریق کاربرد با معناهایشان پیوند یافته‌اند (سجودی، ۱۳۹۳: ۲۵). به بیان دیگر شمایل نشانگر حقیقتی کیفی، نمایه نمایانگر حقیقتی کمی و نماد حقیقتی قانونمند را بیان می‌کند. لذا بر خلاف الگوی سوسوری، پیرس الگوی سه وجهی را برای نشانه معرفی نموده است که عبارتند از:

۱. بازنمون (نمود)، صورتی که نشانه به خود می‌گیرد و الزاماً مادی نیست، ۲. تفسیر، معنایی که از نشانه حاصل می‌شود، ۳. موضوع، که نشانه به آن ارجاع می‌دهد؛ پیرس تعامل بین بازنمون، موضوع و تفسیر را نشانگی نامیده است (سجودی، ۱۳۹۳: ۲۱). این نوع نشانه‌شناسی از یک سو در بر دارنده دامنه بسیار وسیعی است و شامل تمام عرصه‌های واقعیت و زندگی فکری، عملی و عاطفی بشر است و از سوی دیگر ابزار مفیدی برای درک فرایند تفکر و انواع دلالت‌ها را فراهم می‌آورد، از جمله اثر هنری، استدلال ریاضی، گفتگوی روزمره انسانها و... شکل ۱ مدل مفهومی تحقیق که متاثر از مبانی نظری و روش‌شناسی پژوهش است را نشان می‌دهد.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

در این پژوهش خانه‌ها و سکونتگاه‌های شاخص در معماری دوره‌های مختلف تاریخ ایران، از عهد باستان تا دوره پهلوی دوم مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به تعدد دوره‌های تاریخی و قلمرو حکومت آنها، بناهای ارزشمند از نقاط مختلف ایران انتخاب شده است.

یافته‌ها و بحث

انسان برای تامین نیازهای خود، طبیعت را بر اساس سه مفهوم - کالبد، ذات و فطرت - که متناظر با ابعاد وجودی انسان و از جهان بینی و ایدئولوژی‌های حاکم بر هر دوره نشأت گرفته‌اند، در لایه‌های معماری متجلی ساخت. در دوره قبل از مدرن، توجه بیشتر به منشا پیدایش جهان بود، از این رو طبیعت به معنی سرمنشا و فطرت به وسیله معماری بیان می‌شد (فلاحت و شهیدی، ۱۳۸۹: ۳۸). در دوره معاصر، مفهوم طبیعت با تولد اندیشه‌های نوینی که ریشه در خردگرایی و انسان‌مداری داشتند، متحول گردید. در آغاز این دوره "ابطاط انسان و طبیعت، با کشف عقل جدید یک سو به شد و با ابژه تلقی شدن طبیعت، نگرش بدان بر اساس میزان بهره‌وری و منافع اقتصادی صورت گرفت. انسان معاصر با نگاهی کمیت‌گرا، تلاش می‌کرد تا به طبیعت تسلط یابد؛ لذا به تحلیل، تشریح و تبیین پدیده‌ها با کمک مفاهیم و قوانین علمی پرداخت" (محمدزاده، ۱۳۹۲: ۲۶۲). در این دوره عقلانیت و منطق، گفتمان جدیدی بود که منجر به شکل‌گیری درک حقیقت شد و بر اساس نگرش‌های مکانیکی و ریاضی‌وار در معماری متجلی گردید. معماری در این دوره به امور کمی انسان و استانداردهای فیزیکی زندگی، تقلیل یافت و برخلاف معماری کهن که معماری هدایتگر و منطبق بر اهداف فلسفی انسان بود، تنها به نیازهای آدمی منطبق شد و به جنبه‌های هدایت و پرورش آن توجه نکرد و زیبایی را در پاسخ‌گویی کامل به نیازهای این جهانی انسان دید (فلاحت و شهیدی، ۱۳۸۹: ۴۲). در دوره بعد از مدرن، جهان شاهد به وقوع پیوستن تحولات جدیدی بود که با رویدادهای قبلی تفاوت‌های فاحشی داشتند و متاثر از گفتمان‌های جدیدی بودند که در آفرینش حقایق نقش کلیدی داشتند.

در این دوره معماری تلاش نمود تا بی‌هویتی و بحران‌هایی را که مدرنیسم به یادگار گذاشته بود را تقلیل دهد، یعنی به ذات امور توجه و از عناصر و نیروهای طبیعی به درستی در جای خود استفاده کند. لذا حضور طبیعت به صورت مستقیم و غیر مستقیم در معماری را می‌توان به صورت زیر دسته بندی نمود: ۱. به کارگیری عناصر طبیعی به صورت مستقیم؛ ۲. استفاده از فرمهای طبیعت در طراحی معماری، دستیابی به طرحی عالی است که کارایی سازه‌ای، نیازهای عملکردی و زیبایی‌شناسی در آن با یکدیگر ترکیب شده‌اند؛ ۳. نمایش طبیعت از طریق آرایه‌های معماری؛ ۴. نگاه رمزگونه و نمادین به طبیعت؛ پیام معنوی طبیعت تنها در زیبایی کلی اشکال، حرکات و کلیاتش نیست، بلکه در نمادهایی است که بازتاب مستقیمی از صفات گوناگون الهی هستند. جدول ۲ حضور مولفه‌های سازنده طبیعت در معماری را نشان می‌دهد.

جدول ۲. مولفه‌های سازنده طبیعت در معماری

دوره تاریخی	گفت‌مان غالب	مفهوم طبیعت	عناصر اولیه طبیعت	عناصر چهارگانه طبیعت	عناصر اولیه طبیعت
پس از مدرن	تکثر هویت	کالبد، ذات و فطرت طبیعت	استفاده از عناصر اولیه طبیعت و امکان تبدیل آن به عناصر ثانویه	نظم و سلسله مراتب حاکم بر ساختارهای طبیعت	عناصر ثانویه طبیعت
			نمایشی از ماورای طبیعت	نمایشی از ماورای طبیعت	عناصر تجریدی طبیعت
مدرن	خرد و منطق	کالبد و ذات طبیعت	استفاده کالبدی و عملکردی از طبیعت	محلی برای حضور نور و نمایش ذات و فطرت	عناصر اولیه طبیعت
			محلی برای نظاره طبیعت	نمایش کالبد، ذات و فطرت طبیعت	عناصر ثانویه طبیعت
پس از مدرن	تکثر هویت	کالبد، ذات و فطرت طبیعت	استفاده کالبدی و عملکردی از طبیعت	محلی برای حضور نور و نمایش ذات و فطرت	عناصر اولیه طبیعت
			محلی برای نظاره طبیعت	نمایش کالبد، ذات و فطرت طبیعت	عناصر ثانویه طبیعت

عناصر اولیه طبیعت	عناصر ثانویه طبیعت	عناصر تجریدی طبیعت	عناصر اولیه طبیعت	عناصر ثانویه طبیعت	عناصر تجریدی طبیعت
فضاهای باز	فضاهای نیمه باز	فضاهای بسته	آرایه‌ها	حیاط و ساختار فضاهای سبز پیرامون	ایوان
حیاط و ساختار فضاهای سبز پیرامون	ایوان	ساختار اصلی بنا و اجزای تشکیل دهنده آن	تزیینات هندسی، گیاهی، جانوری(انسائی) و ترکیبی	استفاده کالبدی و عملکردی از طبیعت	محلی برای حضور نور و نمایش ذات و فطرت
ایوان	ساختار اصلی بنا و اجزای تشکیل دهنده آن	تزیینات هندسی، گیاهی، جانوری(انسائی) و ترکیبی	استفاده کالبدی و عملکردی از طبیعت	محلی برای نظاره طبیعت	نمایش کالبد، ذات و فطرت طبیعت
ساختار اصلی بنا و اجزای تشکیل دهنده آن	تزیینات هندسی، گیاهی، جانوری(انسائی) و ترکیبی	استفاده کالبدی و عملکردی از طبیعت	محلی برای حضور نور و نمایش ذات و فطرت	نمایش کالبد، ذات و فطرت طبیعت	محلی برای نظاره طبیعت

جدول ۳. حضور طبیعت در سکونتگاه‌های ایران - دوره باستان

عوامل معنا ساز	نحوه حضور طبیعت و مفاهیم وابسته به آن در معماری خانه‌های دوران باستان	مصادیق	دوره تاریخی
<ul style="list-style-type: none"> اسطوره‌ها، اعتقادات و باورهای نشأت گرفته از فرهنگ بومی تأثیر اعتقادات و باورهای تمدن‌های همجوار (بین النهرین، مصر و یونان) شرایط جغرافیایی منطقه 	<ul style="list-style-type: none"> توجه به سیمای اولیه طبیعت - شرایط جغرافیایی، اقلیمی و کالبدی طبیعت در طراحی و اجرای خانه‌ها - عاملی برای تأمین امنیت و آسایش ساکنان، نمایش سیمای ثانویه طبیعت با استفاده از مصالح طبیعی و بوم آورد، نمایش سیمای اولیه و تجریدی طبیعت به صورت غیرمستقیم از طریق: آرایه‌های جانوری (گاو، نر، شیر، گوسفند، عقاب و گاو بالدار) و آرایه‌های گیاهی(نیلوفر آبی، پیچک، گل آفتابگردان، درخت نخل و خیزران (پوپ، ۱۹۷۶). آرایه‌های هندسی، کنگره‌ها(هرم‌های پله‌دار جان پناه‌ها) (پیرنیا، ۱۳۸۲)، نمایش سیمای اولیه طبیعت به صورت مستقیم در فضاهای باز پیرامون از طریق ایجاد آبنا و پردیس به صورت چهارباغ و در فضاهای محصور از طریق بازشوها، کور درها، سایبان و آفتابگیر در جاهای ضروری، ایجاد سکو و تختگاه و درونگرایی (پیرنیا، ۱۳۸۲: ۹۰)، نمایش سیمای تجریدی طبیعت از طریق مفاهیم کهن الگویی در فرم و آرایه‌ها نظیر تاق، گنبد، ستون و... 		معماری پیش از پارسی (محوطه تاریخی زاغه) www.fa.wikipedia.ir
			ورود آریایی‌ها (معماری ارارتو) دژ بسطام www.tasnimnews.com
			معماری پارسی (تخت جمشید). ماخذ: نگارندگان
			معماری پارسی (پارتانیا) www.nbpars.ir

حضور طبیعت در معماری خانه‌های ایران

خانه‌ها، مکان‌ها و سکونتگاه‌هایی هستند که بر اساس ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ساکنان و از سوی دیگر مطابق با خصوصیات منطقه شکل گرفته‌اند. این مکانها با کاربری‌های منفرد و یا چندگانه به صورت خانه‌ها و عمارت‌ها، کاخ‌ها و قلعه‌ها و یا به صورت سکونتگاه‌های موقت مانند کاروانسراها در معماری ایران ظهور نمودند. نوع معیشت، اقلیم و شرایط حاکم بر جامعه، ساختارهای متنوعی را برای این سکونتگاه‌ها مهیا نموده که در این میان نگاه به طبیعت و حضور آن جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. این حضور به انحای مختلف در خانه‌ها متجلی شده است به طوری که در کهن‌ترین خانه‌های ایران (اواخر هزاره هشتم تا اواسط هزاره پنجم پیش از میلاد در دشت زاغه) بر اساس جهات جغرافیایی و شرایط اقلیمی منطقه بوده است (پیرنیا، ۱۳۸۲). در علی‌کش واقع در ده سوران که دنباله خوزستان است بقایای خانه‌های بزرگی دیده می‌شود که با مصالح طبیعی نظیر خشت درست شده‌اند و در برخی موارد منقلی گلی (جایگاه آتش) در کف اتاقها کار گذاشته شده است. در هزاره پنجم قبل از میلاد در سیلک کاشان، کلبه‌هایی را با شاخ و برگ درختان و گاه با خشت می‌ساختند و دیوارهای اتاقها را با زنگار مخلوط با شیره میوه‌ها نقاشی می‌کردند که این نقش‌ها، مقدمه‌ای بر آرایش معماری بودند (پوپ، ۱۹۷۶)؛ که به صورت تزئینات گیاهی، جانوری (انسانی) و ترکیبی با طرح‌های انتزاعی و غیرانتزاعی نمایشی از حضور طبیعت و بیانگر مفاهیم ماورایی طبیعت بودند. در معماری خانه‌های ایران در دوره باستان توجه به زیبایی و سودمندی طبیعت از یک سو و نگاه مذهبی و ستایش عناصر طبیعی مطابق با آیین‌های باستانی از سوی دیگر، موجب برقراری ارتباط کالبدی- معنایی انسان با طبیعت شد؛ لذا حضور کالبدی طبیعت در سکونتگاه‌های عظیمی همچون قلعه‌ها و کاخ‌ها از طریق مصالح طبیعی، توجه به توپوگرافی منطقه، استفاده از عناصر محسوس طبیعت مانند گیاهان و عناصر اربعه و حضور معنایی از طریق نمایش کهن الگوهایی با مضمون طبیعت در فرم‌ها و آرایه‌ها متجلی شدند (جدول ۳).

با ظهور اسلام و شکل‌گیری تحولات نوین فرهنگی، نحوه حضور طبیعت دگرگون و حالت کاربردی و عملکردی به خود گرفت. در بینش اسلامی در طبیعت و نزدیکی به آن معرفت و شهودی الهی و فطری قابل حصول است. در این نوع نگاه توصیه‌های بسیار به تعامل با آن در محیط‌های انسان ساز شده و تسهیل ارتباط با طبیعت سرمشق معماران سنتی در ساخت خانه بوده است (داعی پور، ۱۳۹۳: ۵۵). این درهم آمیختگی با کیفیت، نیروها و سیلان عناصر مختلف، گردش افلاک و تکرار پی در پی ریتم روشنایی و تاریکی که معماری سنتی اسلامی تشدیدشان می‌کند و نه تنها آنها را مخفی نمی‌کند؛ بلکه آشکارشان می‌سازد صرفاً برای آن است که مسلمانان را نسبت به وحی دیگر خداوند یعنی طبیعت متذکر گردد (نصر، ۱۹۸۷: ۶۱)؛ انسان باید احساس کند که همیشه با فضای نامتناهی ارتباط دارد... چرا که انسان ذاتاً برای تفکر آفریده شده و معماری باید جنبه‌ای باشد که این حس تفکر و تأمل او را برانگیزد (امامی، ۱۳۹۰: ۶). در این دوره با تغییر ماهیت نیازها، وابستگی انسانها به طبیعت در دو قلمرو محسوس و نامحسوس افزایش یافت و موجب گردید که طبیعت با رنگ و بویی عملکردی- معنایی در قالب کالبد طبیعت در خانه‌ها نمایان شود؛ به گونه‌ای که عناصر کالبدی تشکیل دهنده خانه نظیر حیاط، گنبد، بادگیر، شادان، تزئینات هندسی و گیاهی و... در سکونتگاه‌های دائمی و موقت با حضور طبیعت به کمال رسیده و توانایی لازم را برای پاسخ به نیازهای مخاطبان را بدست آوردند (جدول ۴).

مدرنیته در معماری ایران در نتیجه افزایش ارتباط ایرانیان با اروپا در دوره قاجار شروع شد. در این دوره شکل‌گیری بناها متأثر از سه شیوه اصفهانی (ادامه معماری تاریخی ایران)، تهرانی (تلفیق شیوه اصفهانی و سبک نئوکلاسیک) و فرنگی (سبک نئوکلاسیک) بودند (جدول ۵). در ادامه تحولات و در دوره پهلوی اول، اصلاحات اساسی در زمینه اقتصادی، اداری و اجتماعی صورت پذیرفت. در آغاز این دوره، پدیده جهانی ناسیونالیسم معاصر در قالب یک دیدگاه سیاسی توانست تعریف جدید از ملی‌گرایی را در قبال ناسیونالیسم تاریخی ارایه دهد و بزرگ‌ترین ثمره‌اش جایگزین کردن علایق ملی و باستانی به جای آیین‌های قومی و دینی بود. این پدیده در آغاز سلطنت رضاشاه همراه با نوسازی، توسعه و با دست‌اندازی به داشته‌های تاریخی، حرکتی نهضت‌گونه را در تمام زمینه‌ها ایجاد کرد که یکی از آثارش، معماری‌ای بود با گرایش شدید باستانی " (بانی مسعود، ۱۳۸۸: ۸۹). علاوه بر آن معماری سنتی خصوصاً شیوه اصفهانی که میراث گذشتگان و حامل مفاهیم معنایی و عرفانی شریعت اسلام است، در این دوره با تغییراتی به صورت معماری سنت‌گرا ظهور نمود که تلفیقی از (معماری اواخر قاجار با عناصر وارداتی و معماری نئوکلاسیک اروپا یا موتیف‌های اسلامی) بود؛ ردپایی از معماری غرب نیز متأثر از جنبش آر- نووی فرانسه به صورت دو سبک آرت- دکو و اکسپرسیونیسم در اوایل دوره پهلوی به منصفه ظهور رسید (حقیر، ۱۳۸۷).

جدول ۴. حضور طبیعت در خانه‌ها و سکونتگاه‌های ایران - دوره اسلامی

شیوه معماری	مصادیق	مؤلفه‌های غالب	گفتمان غالب	نحوه حضور طبیعت و مفاهیم وابسته به آن در معماری خانه‌های دوران اسلامی
شیوه اصفهانی، خانه شریفیان کاشان. www.irandeserts.com		تحوّلات داخلی (فرهنگ بومی) و تحولات برون مرزی	گفتمان سنتی	<ul style="list-style-type: none"> حضور سیمای اولیه طبیعت به صورت آبنا، پوشش گیاهی، نور، باد و... در فضاهایی همچون ایوان، حیاط و... بهره‌گیری از سیمای ثانویه طبیعت به صورت آجر، کاهگل و...
شیوه تهرانی خانه مشروطه تبریز. ماخذ: نگارندگان			گفتمان سنتی و گفتمان غرب‌گرایی	<ul style="list-style-type: none"> نمایش سیمای اولیه و تجریدی طبیعت به صورت تزیینات (گچبری، آجرکاری، رسمی بنری و مقرنس کاری و...) و تصاویر واقع‌گرای انسان، گل و گیاه در تزیینات و مبلمان داخلی.
شیوه فرنگی، خانه قوام السلطنه - تهران. www.fa.wikipe dia.org			گفتمان غرب‌گرایی	<ul style="list-style-type: none"> بازگشت به گذشته و نمایش هنر کلاسیک با بهره‌گیری از تناسبات، زیبایی و نظم آسمانی هنر یونان و روم باستان با تأکید بر مفاهیمی مانند رسمیت، سنت، تعادل، موازین منضبط، بلندی مضمون، و... و والامنشی و قهرمان پرستی و تجلی سادگی آرامبخش و وقار والامنشانه (مرزبان، ۱۳۷۹: ۱۹۷).

جدول ۵. حضور طبیعت در خانه‌های ایران - دوره قاجار

دوره تاریخی	مصادیق	عوامل معنا ساز	نحوه حضور طبیعت و مفاهیم وابسته به آن در معماری خانه‌های دوران اسلامی
کاروانسرای شرف دوره سلجوقیان. www.eligasht.com		<ul style="list-style-type: none"> اندیشه‌ها و باورهای اسلامی 	<ul style="list-style-type: none"> نمایش سیمای اولیه طبیعت در فضاهای باز از طریق باغ‌ها و عناصر سازنده آنها نظیر گیاهان، آبنا و... و فضاهای نیمه باز و بسته از طریق بازشوها، ایوان و...
خانه خوشنویس دوره صفویان ghasbanpour, 1380.192		<ul style="list-style-type: none"> شرایط جغرافیایی منطقه 	<ul style="list-style-type: none"> حضور سیمای تجریدی طبیعت با نمایش مفاهیم کهن الگویی از طریق فرم - آسمانه خمیده و تاق و گنبد، مرکزیت (درون‌گرایی)، چهارباغ‌ها و تزیینات هندسی و گیاهی - آجرکاری، گچبری، کاشی کاری و...
کلات نادری دوره افشاریه www.mashadmag.ir		<ul style="list-style-type: none"> فرهنگ بومی فناوری ساخت 	<ul style="list-style-type: none"> تأثیر تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برون - مرزی در هنر ایران دوره اسلامی و رواج نگاره - های قدیمی‌تر هندسی، گیاهی و چینی‌وار سبک بین‌المللی تیموری و طبقه‌بندی طرح انتزاعی در دوره صفوی به اقسام ذیروح و غیر ذیروح با الگو قرار دادن حوزه‌های مختلف طبیعت (نجیب اوغلو، ۱۹۹۵).
خانه ابراهیمی - اردبیل دوره زندیه ghasbanpour, 1380.65		<ul style="list-style-type: none"> تأثیر تحولات 	<ul style="list-style-type: none"> تأثیر تحولات دوره رنسانس و عصر روشنگری در رواج واقع‌گری در هنرهای ایران و حضور طبیعت در معماری به انحای مختلف از طریق هنرهای وابسته.

در دوره پهلوی دوم به سبب تلاش در جهت گذر از سنت به تجدد، تغییرات گسترده‌ای در بخش‌های فرهنگی، اجتماعی، ساختار اداری و ... ایجاد و موجب بروز افکار و گرایش‌های متنوع در تمام زمینه‌ها از جمله معماری گردید. در این دوره برنامه فرهنگی حکومت از دو عنصر کاملاً متضاد تشکیل می‌شد: از یک سو احیای فرهنگ کهن ایرانی و تلاش همه جانبه در بزرگنمایی آن در دوره‌های گذشته تاریخ سرزمین و معرفی آن به عنوان «زیباترین بخش فرهنگ منحصر ایرانی» و ترویج «ایدئولوژی بازگشت به خویش‌نواستی» (ستاری، ۱۳۷۹: ۲۳۶)؛ و از سوی دیگر اقبال شدید اولیای امور به ترویج مظاهر و ظواهر فرهنگی غرب (بنای مسعود، ۱۳۸۸: ۲۴۱). این عوامل موجب خلق گرایش‌های سنت‌گرایی، مدرن‌متعالی و متأخر، ارگانیک، معماری نوگرایی ایرانی و های-تک گردید. در ابتدای این دوره کماکان بسیاری از بناها خصوصاً در روستاها به شیوه سنتی احداث شدند ولی روند دوره قبل همچنان ادامه یافت و تدریجاً خانه‌های حیاط مرکزی، حمام‌ها و آب‌انبارهای سنتی بلا استفاده و متروک شدند و ساختمان‌هایی با گرایش‌های جدید جایگزین آنها شدند. گرایش مدرن‌متعالی نیز بیشتر در بناهایی با عملکردهای جدید مانند بانک، پاساژ و سینما به منصفه ظهور رسید. در اواسط دوره پهلوی دوم و انجام اقدامات فرهنگی نوین زمینه برای آفرینش گرایش‌های نوینی مهیا گردید. سبک معماری های‌تک در این دوره تنها در بناهای عمومی (ورزشگاه فرح‌آباد تختی)، ساختمان فرهنگی صدا و سیمای مشهد و موزه منطقه‌ای کرمانشاه) به کار برده شد (جدول ۶).

در هر یک از دوره‌های ذکر شده طبیعت از طریق سیمای اولیه، ثانویه و تجربیدی در فرم و آرایه‌های معماری ظهور نموده است. بر اساس روش نشانه‌شناسی پیرس، این حضور می‌تواند نمایشی از کالبد، ذات و یا فطرت طبیعت باشد که مفاهیمی همچون شباهت‌های محسوس و غیرمحسوس، تجانس، سازگاری عملکردی و نظم حاکم بر طبیعت و... را از طریق گرایش‌های مختلف معماری نشان دهد.

تبارشناسی حضور طبیعت در معماری خانه‌های ایران

با توجه به نظریه‌های رایج برگرفته از نگاه تاریخ سنتی درباره ارتباط انسان با طبیعت همواره چهار الگوواره متفاوت ارتباط با طبیعت مورد توجه قرار گرفته است. این الگوواره‌ها عبارتند از: الگوواره ارگانیک، الگوواره فرا ارگانیک، الگوواره سلطه بر طبیعت و الگوواره شبه ارگانیک صنعتی. در هر یک از این الگوواره‌ها ۱- طبیعت مفهومی است که به صورت انتزاعی و غیرانتزاعی در فرم‌های معماری، سازه و تزئینات بکار گرفته شده است و ۲- طبیعت مفهومی است که کارایی و سودمندی آن به صورت مختلف در معماری متجلی شده است. در این پژوهش فرضیه حاصل از این نگرشها را می‌توان به این صورت بیان نمود: «در گفتمان‌های سنتی حضور طبیعت در معماری خانه‌های ایران بر اساس مفاهیمی همچون تجانس، تشابه و تقدس پیوند عمیقی با زندگی انسانها برقرار نموده بود؛ با گذر زمان و پیشرفت علم و تکنولوژی، بهره‌گیری از طبیعت به تدریج جایگزین رابطه همزیستی انسان و طبیعت شد و حضور طبیعت در معماری دوره معاصر نسبت به گذشته کم‌رنگ‌تر و غیر محسوس‌تر گردید». در این پژوهش با انتقاد از روش تاریخ سنتی و نادیده گرفتن سه عامل انسان‌مدار، غایت‌گرا و تمامیت‌طلب، تکامل و پیوستگی تاریخی در نگاه به طبیعت، مطرود و گسیختگی تاریخی را جایگزین آن نموده و با توجه به سه عامل عدم توجه به خاستگاه‌ها، عدم پیوستگی نسبت‌ها و تبارها و مشروعیت‌ستانی از پدیده‌ها، فرضیه حاصل بر اساس اصول چهارگانه تبارشناسی فوکویی تحلیل خواهد شد.

اصل اول: مطابق با اندیشه‌های فوکو و با واژگونی فرضیه مطرح شده، حضور طبیعت در معماری خانه‌های ایران را می‌توان در پرتو ضرورت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر زمان تحلیل نمود؛ به عبارتی با شکل‌گیری گفتمانها در هر یک از دوره‌های تاریخی و با وجود تشابهات کالبدی و یا عملکردی آنها با گفتمان سنتی، نباید چگونگی حضور طبیعت در معماری این دوره‌ها را مقوله‌ای تاریخی و تغییرات آنها را بر اساس خصوصیات و دگرگونی‌های معماری دوره‌های پیشین دانست، بلکه باید آن را وابسته به قدرت حاکم بر جامعه در ابعاد مختلف فرض نمود؛ قدرتی که به معنای سلطه یک فرد یا گروه بر افراد دیگر نیست، بلکه مانند یک سازمان شبکه‌ای عمل می‌کند و تمام وجوه زندگی انسان را دربر می‌گیرد (قنبری، ۱۳۹۶: ۸۵).

اصل دوم: مطابق با اندیشه‌های فوکو، نخستین گسست در نحوه حضور طبیعت در معماری خانه‌های ایران، با ظهور اسلام شکل گرفت و به تدریج سامان دانایی دوره باستان که متأثر از اعتقادات، اندیشه‌های زرتشت، اسطوره‌ها و عقاید و باورهای تمدن‌هایی همچون مصر و یونان بود، در هم ریخت و انگاره‌ای تازه جانشین آن شد.

جدول ۶. حضور طبیعت در خانه‌های ایران - دوره پهلوی

گرایش معماری	مصادیق	مولفه‌های غالب	گفت‌مان غالب	نحوه حضور طبیعت و مفاهیم وابسته به آن در معماری خانه‌های دوره پهلوی
دوره پهلوی اول				
سنت‌گرایی خانه باقری، گرگان . ghasbanpour, 1380. 102		عقاید و ارزشهای اسلامی و فرهنگ بومی	سنت‌گرایی	<ul style="list-style-type: none"> ● بازگشت به گذشته و نمایش هنر کلاسیک با بهره‌گیری از تناسبات، زیبایی و نظم آسمانی هنر یونان و روم باستان با تأکید بر مفاهیمی مانند رسمیت، سنت، تعادل، موازین منضبط، بلندی مضمون، ... و والامنشی و قهرمان پرستی و تجلی سادگی آرامبخش و وقار والامنشانه (مرزبان، ۱۳۷۹: ۱۹۷). ● نگاه به آینده و نمایش تحولات مدرنیته از طریق آفرینش گرایشهای نوین همچون آرنوو؛ نمایش طبیعت به صورت سیمای اولیه و تجریدی در تزینات خانه‌ها، اجزای معماری و مبلمان داخلی. ● بهره‌گیری از سیمای ثانویه طبیعت به صورت آجر و ... ● حضور سیمای اولیه طبیعت به صورت آبنما، پوشش گیاهی، نور، باد و... در فضاهایی همچون ایوان، حیاط و... متناسب با تحولات مدرنیته
ملی - خانه تیمورتاش www.isna.ir		اسطوره‌ها و باورهای باستان و تحولات مدرنیته	ملی‌گرایی، غرب‌گرایی	
تلفیقی - خانه پروفیسور عدل www.Hamgardi.com		عقاید و ارزشهای اسلامی، اسطوره‌ها و باورهای ایران باستان و اندیشه‌های یونان و روم باستان	سنت‌گرایی، ملی‌گرایی، غرب‌گرایی	
نئوکلاسیک - خانه مدیر کارخانه قند کرج. Daniel. etal, 2004: 126		باورها و اندیشه‌های یونان و روم باستان	غرب‌گرایی	
مدرن - عمارت خوانساری www.Hamgardi.com		تحولات مدرنیته اروپا	مدرن‌گرایی	
دوره پهلوی دوم				
معماری مدرن متأخر - مجتمع مسکونی فرانت جردن - تهران www.caoi.ir		تحولات مدرنیته اروپا	مدرن‌گرایی	<ul style="list-style-type: none"> ● نگاه به آینده و نمایش تحولات مدرنیته از طریق آفرینش گرایشهای نوین (ابداع فرم‌های جدید و هنر مناسب زمان بر پایه طبیعت). ● توجه به علوم تجربی و ایجاد نظریه‌های مختلف و نقش آنها در نمایش طبیعت؛ مانند استفاده از فرم‌های طبیعی و رمانتیک (قبادیان، ۳۷: ۱۳۹۲). ● شکلگیری علوم جدید و نقش آنها در ایجاد نظریه‌های نوین ارتباط انسان و طبیعت در اواخر قرن بیستم (توجه به فرهنگ بومی)
معماری ارگانیک خانه اوشان کلون. www.caoi.ir		تحولات مدرنیته اروپا، توجه به فلسفه رمانتیک اواخر قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی در اروپا، توجه به فرهنگ بومی	بوم‌گرایی	
معماری نوگرایی ایرانی - شوشتر نو. www.aopedia.ir		تحولات مدرنیته اروپا، توجه به فرهنگ بومی	تاریخ‌گرایی (سنت‌گرایی) و بوم‌گرایی	

انگاره‌های نوین متأثر از بینش اسلامی بودند که از اواخر دوره باستان، به تدریج در فرهنگ ایران رخنه نمودند و به ثمر رسیدند. در این دوره طبیعت علاوه بر نمایش خصوصیات کالبدی و عملکردی خود از طریق آب، باد، خاک و نور و پوشش گیاهی و... عاملی برای نشان دادن مفاهیم کهن‌الگویی و ماورایی طبیعت از طریق فرم و آرایه‌های معماری در فضاهای باز، نیمه باز و بسته متأثر از جهان‌بینی و ایدئولوژی حاکم بر زمان بود. دومین گسست با تولد مدرنیته در اواخر دوره قاجار به وقوع پیوست. تحولات مدرنیته در این دوره متأثر از خصوصیات دوره رنسانس (مزینی، ۱۳۸۷: ۱۲۶) و تلاشی برای نمایش کمال، زیبایی و تجمل شکوهمند معماری یونان و روم باستان بود (مرزبان، ۱۳۷۹) و به صورت سبک نئوکلاسیک در هنر و معماری متجلی شد. در همین دوران و همزمان با احیای سبک کلاسیک، هنر رمانتیک نیز از طریق چیرگی احساس بر عقل به صورت سبک آر-نووا وارد عرصه معماری شد. با آفرینش نظریه‌های نوین، زمینه برای گسترش تحولات مدرنیته در حوزه‌های مختلف فراهم گردید.

اصل سوم: مطابق با دیدگاه فوکو نحوه حضور طبیعت در هر یک از دوره‌های تاریخی وابسته به نیاز انسانهاست و با گذر زمان و تغییر ماهیت نیازها، چگونگی حضور دگرگون شده است. مطابق با نشانه‌شناسی پیرس، حضور طبیعت در معماری خانه‌های ایران از طریق ارتباط بصری، ادراکی و شهودی و به صورت شمایل، نمایه و نماد، می‌تواند نمایشی از کالبد، ذات و فطرت طبیعت باشد و از طریق فرم و آرایه‌های معماری به انحای مختلف متجلی و مفاهیم متعددی را به مخاطب منتقل نماید. در معماری پیش از مدرن حضور طبیعت مفاهیمی همچون زیبایی و تناسب، نظم کیهانی، ایجاد امنیت و... را در ساختارهای معماری به تصویر کشیده است؛ در دوره معاصر با وجود شباهت‌های کالبدی و عملکردی طبیعت با گذشته تفاوت‌هایی معنایی که ماحصل تغییر در ساختار جامعه، تغییر ماهیت نیازها و آفرینش گفتمانهای جدید است، شکل گرفت.

اصل چهارم: بر اساس این اصل، نمایش طبیعت در معماری خانه‌ها متأثر از حضور پدیده‌های پیرامونی و عوامل بیرونی است که از طریق کالبدشکافی روابط قدرت، می‌توان این مفاهیم را در معماری کشف نمود.

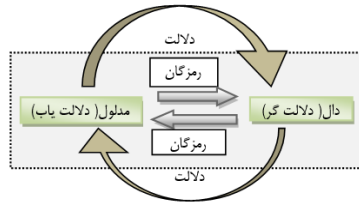
نتیجه‌گیری

بر اساس اصول چهارگانه تبارشناسی فوکو حضور طبیعت و مفاهیم حاصل از آن در معماری خانه‌های ایران با گذر زمان روند تکاملی نداشته بلکه وابسته به گفتمان‌هایی است که در هر گسست تاریخی شکل گرفتند، با قدرت پیوند خوردند و هویت و ذهنیت ساخته‌اند. در دوران باستان، طبیعت و ساختار محیط پیرامون پاسخگوی نیازهای کالبدی و عملکردی سکونتگاه‌ها بوده، علاوه بر آن نقش مهمی در ارتقای امنیت و نمایش اقتدار حکومتها را نیز داشته است. در دوره اسلامی قدرت فرهنگی جامعه موجب شکوفایی وجه عملکردی و محتوایی طبیعت شد. در این دوره عناصر کالبدی طبیعت نظیر آب، گیاهان، مصالح، تزئینات و... بدون توجه به شرایط اقلیمی منطقه و تحت تاثیر فرهنگی حاکم بر جامعه در بسیاری از خانه‌ها به کار برده شد. در این دوره با بهره‌گیری از ریاضیات و هندسه، باورها و اعتقادات فرهنگی از طریق نمایش نظم طبیعت و مفاهیم کهن‌الگویی به تصویر کشیده شد. در اوایل دوران مدرن با آفرینش گفتمانهای نوین و ایجاد رویکردهای متنوع معماری حضور طبیعت در بسیاری از خانه‌ها بدون توجه به خصوصیات اقلیمی و فرهنگی منطقه و با تبعیت از ویژگیهای کالبدی معماری دوران باستان و اسلامی بود؛ علاوه بر آن تحولات مدرنیته نحوه حضور طبیعت در خانه‌های این دوره را با ایجاد ساختمانهای بلندمرتبه با ساختاری برون‌گرا و استفاده از پنجره‌های سراسری، توجه به موقعیت قرارگیری بنا و نقش آن در حضور طبیعت از طریق چشم اندازهای مطلوب و نور مناسب و افزایش ساخت و سازها در محیط‌های بکر و مناطق خوش آب و هوا از یک سو و توجه به تولیدات صنعتی با مصالح طبیعی و یا مصالح مصنوعی با نقش و نگارهای طبیعی از سوی دیگر دگرگون ساخت؛ لذا در هر یک از گسست‌های تاریخی طبیعت ابزاری مناسب جهت گسترش سلطه و به انقیاد در آوردن ذهنیت افراد جامعه بود.

پی‌نوشت

۱. نشانه‌شناسی علمی است که به مطالعه نظام‌های نشانه‌ای نظیر زبان‌ها، رمزگان‌ها، نظام‌های علامتی و ... می‌پردازد (گیرو، ۱۹۷۳). علمی که هدف آن درک قراردادهای و کارکرد نظام‌های نشانه‌ای است که به دنیای انسان شکل می‌دهند؛ به عبارتی دیگر نشانه‌شناسی اشیا یا اعمالی را که درون یک فرهنگ معنی دارند، نشانه تلقی می‌کند و از این طریق می‌کوشد قوانین و قراردادهایی را که آگاهانه یا ناخودآگاه توسط اعضای آن فرهنگ درونی شده‌اند و معنای

پدیده‌ها را ممکن می‌کند، تشخیص دهد (کالر، ۲۰۰۲: ۷۶)؛ لذا نشانه‌شناسی وسیله‌ای است برای دستیابی به گنجینه‌های فرهنگی، پسینه‌های ایدئولوژیکی و معرفتی و رمزگانه‌های اجتماعی که به طور موقت معانی را برای مقاصد خاص تفسیر و تثبیت می‌کنند و موجب کشف رموز و رازهای چگونگی تثبیت یک تفسیر می‌شوند (تاجیک، ۱۳۸۹: ۱۲۶).



۲. دو سنت واگرا در نشانه‌شناسی وجود دارد که نشأت گرفته از دیدگاه‌های زبان‌شناس سوئیسی فردینان دوسوسور و فیلسوف پراگماتیست آمریکایی چالرز ساندرز پیرس می‌باشد. نشانه‌شناسی دوسوسور پیوند میان الگوی آوایی و معنا در اندیشه آدمی است و از فرایند فرهنگ تاثیر می‌پذیرد. از دیدگاه وی نشانه‌کلیتی است ناشی از پیوند بین دال و مدلول و رابطه بین دال و مدلول دلالت نام دارد؛ در حقیقت آنچه میان دال و مدلول وحدت ایجاد می‌کند عامل فرهنگی است (حمه جانی، ۱۳۹۷).

۳. فوکو در سال ۱۹۶۰ کتاب تاریخ جنون را منتشر نمود. هدف وی در این کتاب سیر اندیشه روان‌شناختی درباره دیوانگی نبود، بلکه موضوع اصلی آن را رابطه دیالکتیکی میان علم روان‌شناسی و قدرت تشکیل می‌داد (ضمیران، ۱۳۹۵: ۳). او در این اثر به شرایط تاریخی ظهور تمایز میان عقل و جنون و خرد و بی‌خردی از قرن هفدهم به بعد اشاره می‌کند و پدیدار شدن حوزه جدید علمی یعنی روان‌شناسی و روان‌پزشکی را مورد بحث قرار می‌دهد. کتاب زایش درمانگاه نیز در سال ۱۹۶۳ منتشر شد. در این اثر فوکو بر آن بود تا ثابت کند که میان اشکال گوناگون دانش و زبان همبستگی نزدیکی وجود دارد. او این کتاب را دیرینه‌شناسی دانش پزشکی نام نهاد و با بکارگیری واژه دیرینه‌شناسی در پی آن بود تا روش پژوهش خود را از روش معمول و متعارف تاریخی جدا کند. فوکو در زایش درمانگاه جایگاهی و واژگونی نظام پزشکی در سده هجدهم و نوزدهم را بررسی و به کشف پدیده نوظهوری نایل آمد. فوکو پس از انتشار کتاب تاریخ دیوانگی و زایش درمانگاه دو اثر مهم دیگر - دیرینه‌شناسی دانش و نظم اشیا - را منتشر نمود که تحلیل گفتمان و روابط گفتاری درونمایه آنها را تشکیل می‌داد. او در این دو اثر تحلیلی دیرینه‌شناسانه از شرایط زبانی ظهور و بروز علوم انسانی را بر پایه عناصر پیشاتجربی عرضه داشت. به نظر او ارتباط میان واژه‌ها و چیزها در عصر جدید به ظهور پدیده معرفت‌شناسانه جدیدی موسوم به انسان انجامیده است. فوکو در آغاز دهه ۱۹۷۰ روش دیرینه‌شناسی را رفته‌رفته کنار گذاشت و با تاسی از آنچه تبارشناسی قدرت را سر لوحه تحقیقات خویش قرار داد.

منابع

- اکرمی، موسی؛ ازدریان شاد، زلیخا. (۱۳۹۱). تبارشناسی از نیچه تا فوکو، *روش‌شناسی علوم انسانی*. ۱۸ (۷۰)، ۷-۳۲.
- اسپینکز، لی. (۲۰۰۳). *فریدریش نیچه*، ترجمه رضا ولی یاری (۱۳۹۷). تهران: انتشارات مرکز.
- امامی، سید حسین. (۱۳۹۰). پیوند معماری سنتی با حکمت. *ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت*. ۶ (۹)، ۴-۸.
- بامداد صوفی، جهانبار. (۱۳۹۷). تبارشناسی روشهای تحقیق در علوم انسانی در مسیر تمدن ایرانی - اسلامی، *مطالعات مدیریت بهبود و تحول*. ۱۰۱-۷۵، (۸۱).
- بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۸). *معماری معاصر ایران در تکاپوی سنت و مدرنیته*. تهران: نشر هنر معماری قرن.
- بمانیان، محمدرضا؛ صالح، الهام. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط انسان با طبیعت از منظر معادشناسی در قرآن کریم، *پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*. ۲ (۵)، ۶۱-۷۰.
- پوپ، آرتور. (۱۹۷۶). *معماری ایران*. ترجمه غلامحسین صدری افشار (۱۳۸۲). تهران: نشر اختران.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۲). *سبک‌شناسی معماری ایرانی*، تدوین غلامحسین معاریان. تهران: پژوهنده.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۹). نشانه‌شناسی (نظریه و روش)، *پژوهشنامه علوم سیاسی*. ۷ (۴)، ۳۹-۷.
- چندلر، دانیل. (۲۰۰۷). *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا (۱۳۹۴)، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سوره مهر.
- حسین‌زاده یزدی، مهدی؛ زین‌العابدینی رنالی، منیره؛ ملاباشی، سید محسن. (۱۳۹۴). تبیین و بررسی مبانی معرفتی تبارشناسی میشل فوکو، *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، غرب‌شناسی بنیادی*. ۶ (۱)، ۱۵-۳۶.
- حقیر، سعید. (۱۳۸۷). *سبک‌شناسی آر-نوو در معماری معاصر ایران، هنرهای زیبا*. (۳۵)، ۶۳-۷۳.
- حمه جانی، یوسف. (۱۳۹۷). *معناکاوی در معماری از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی*، رساله دکتری به راهنمایی قادر بایزیدی و مشاوره جلیل سحابی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان.
- داعی‌پور، زینب. (۱۳۹۳). رابطه حضور طبیعت و افزایش حس تعلق در خانه‌های سنتی ایران، *باغ نظر*. ۱۱ (۳۰)، ۴۹-۵۸.
- دانیل، ویکتور؛ شافعی، بیژن؛ سروشیانی، سهراب. (۱۳۸۲). *معماری نیکلای مارکف*. تهران: انتشارات دید.

- ستاری، جلال. (۱۳۷۹). در بی‌دولتی فرهنگ: نگاهی به برخی فعالیت‌های فرهنگی و هنری در بازپسین سالهای نظام پیشین. تهران: نشر مرکز.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۹۳). *نشانه‌شناسی کاربردی*. تهران: نشر علم، چاپ سوم.
- شولتز، کریستین نوربرگ. (۱۹۸۴). *مفهوم سکونت (به سوی معماری تمثیلی)*، ترجمه محمدمامیر یاراحمدی (۱۳۹۲). تهران: نشر آگه.
- ضیمران، محمد. (۱۳۹۵). *میشل فوکو: دانش و قدرت*. تهران: انتشارات هرمس.
- عضدانلو، حمید. (۱۳۸۰). *گفتمان و جامعه*. تهران: نشر نی.
- غضبانپور، جاسم. (۱۳۸۰). *خانه ایرانی*. تهران: انتشارات تیس.
- فرجی، کیانوش؛ بایزیدی، قادر؛ باینگانی، بهمن. (۱۳۹۸). بررسی مفهوم طبیعت در آرایه‌های معماری دوره پهلوی بر اساس رهیافت گفتمانی، *باغ نظر*. ۱۶(۷۸)، ۲۹-۴۲.
- فرهی فریمانی، مریم و مهدی حقیقت‌بین. (۱۳۹۵). واکاوی ادراک ایرانیان در مواجهه با طبیعت (مطالعه موردی: بررسی تولیدات علمی در رشته معماری منظر و حوزه هنر و معماری). *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. ۷(۲۴)، ۳۳-۴۲.
- فلاح، محمداصداق و شهیدی، صمد. (۱۳۸۹). تحولات مفهوم طبیعت و نقش آن در شکل‌گیری فضای معماری. *هنرهای زیبا*، ۲(۴۲): ۳۷-۴۵.
- قبادیان، وحید. (۱۳۹۲). *سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران*. تهران: موسسه علم معمار.
- قنبری، حسین. (۱۳۹۶). *قدرت معنایی و ساختار، خوانشی از اندیشه‌های آلتوسر، گرامشی و فوکو*. تهران: نشر نگاه معاصر.
- کالر، جانانان. (۲۰۰۲). در جستجوی نشانه‌ها؛ نشانه‌شناسی، ادبیات و واسازی، ترجمه لیلا صادقی و تینا امرالهی (۱۳۹۰). چاپ پنجم. تهران: نشر علم.
- کالینیکوس، الکس. (۲۰۰۷). *درآمدی تاریخی بر نظریه اجتماعی، ترجمه اکبر معصوم بیگی* (۱۳۹۶). تهران: نشر آگه.
- کریمی، علی. (۱۳۹۳). *حقیقت‌خانه، رهیافتی به شناخت قدر و منزلت شایسته‌خانه*، رواق نظر، ده مقاله در معماری. تهران: موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- کشفی، محمدحسین؛ جواهرپور، حسام و کشفی، محمدعلی. (۱۳۹۳). بررسی مبانی فلسفی سکناگزینی از دیدگاه پدیدارشناسی با تکیه بر ارزش‌های اسلامی ایرانی، *اندیشه دینی*. ۱۴(۵۱)، ۵۵-۸۰.
- کهون، لارنس. (۱۹۹۶). *متن‌های برگزیده از مدرنیسم تا پست مدرنیسم*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان (۱۳۸۸). تهران: نشر نی.
- کویر مارکوس، کلا. (۱۳۸۲). *خانه به مثابه نماد خویشتن*، ترجمه احد علیقلیان، *خیال (فرهنگستان هنر)*. ۵(۵)، ۸۴-۱۱۹.
- کوکچیکیان، مسعود؛ آیوازیان، سیمون؛ دیبا، داراب و نوروزی برازجانی، ویدا. (۱۳۹۶). *بازتعریف مفهوم مسکن و سکونت بر اساس مولفه‌های اقتصادی و اجتماعی، مدیریت شهری*. ۱۶(۴۹)، ۲۶۳-۲۸۶.
- گیرو، پی‌یر. (۱۹۷۳). *نشانه‌شناسی*، ترجمه محمد نبوی (۱۳۹۲). چاپ چهارم. تهران: انتشارات آگه.
- محمدزاده، رحمت. (۱۳۹۲). *بررسی جایگاه طبیعت در مدرنیته و چالش‌های رودررو با تاکید بر شهرهای ایران*. *جغرافیا و برنامه‌ریزی*. ۱۸(۴۸)، ۲۴۵-۲۷۸.
- مرزبان، پرویز. (۱۳۷۹). *خلاصه تاریخ هنر*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مزینی، منوچهر. (۱۳۸۷). *از زمان و معماری*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات شهیدی.
- نجیب اوغلو، گلرو. (۱۹۹۵). *هندسه و تزئین در معماری اسلامی*، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی (۱۳۷۹). تهران: روزنه.
- نورمحمدی، سوسن. (۱۳۸۸). *ضرورت درک سرشت فضای معماری با استناد به رویکردهای معاصر مبتنی بر طبیعت*. *هنرهای زیبا*. ۳۷(۳۷)، ۴۹-۵۸.
- نصر، سید حسین. (۱۹۸۷). *هنر و معنویت اسلامی*، ترجمه رحیم قاسمیان (۱۳۷۵). تهران: انتشارات حکمت.
- نقی زاده، محمد. (۱۳۹۱). *تاملی در شناخت مبانی مسکن اسلامی ایرانی*. *ماهنامه کتاب ماه هنر* (۱۷۰).
- هاشم پور، پریسا. (۱۳۹۱). *پایداری فرهنگی خانه (بررسی و شناخت عناصر پایدار فرهنگی برای ارتقای کیفی خانه)*، رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی.
- هایدیگر، مارتین. (۱۹۹۶). *هستی و زمان*. ترجمه عبدالکریم رشیدیان (۱۳۸۹). تهران: نشر نی.
- Coburn, Alexander; Kardan. Omid; Kotabe, Hiroki; Steinberg, Jason; Hount, Micheal.C; Robbins, Arryn et al. (2019). Psychological responses to natural patterns in architecture . *Journal of Environmental Psychology*, (62), 133-145.
- Di Georgio.P.(2013). Contingency and necessity in the genealogy of morality. *Telos*.
- Drolet. M. (2017). *A companion to intellectual history*, John Wiley and sons.
- Elghobashy, Sh, Mosaad, G. (2016). Nature Influences on Architecture Interior designs, *Procedia Environmental Sciences*, (34), 573 – 581.

Scheurich, J. Joseph and B. Kathryn Makenzie.(2000). Foucault Methodologies: Archaeology and Genealogy, in Handbook of Qualitative Research, Second edition, Norman K. Denzin, and S. Yvonna, London: Sage Publication Ltd.

www.isna.ir

www.dalahoo.com

www.Tabriztrip.com

www.bartarinha.ir

www.tasnimnews.com

www.Irandeserts.com

www.fa.wikipedia.org

www.caoi.ir

www.sadaf22.ir

www.hamidnouhi.com

www.onlin-architect.ir

www.aoapedia.ir

www.mashadmag.ir

www.hamgardi.com

www.nbpars.ir